

دانشگاه ملی

دانشکده حقوق

پایان نامه

برای دریافت درجه فوق لیسانس

حقوق جزا

موضوع

جهل به قانون

استاد راهنما

جناب آقای دکتر پرویز صانفی

نلاس

غلامحسین ناس

۱۹۷۲

۱۶۷۲

بازم با خود برسد

جهل به قانون



ظم به کیفیت و ماهیت و اوصاف و احکام عمل ارتكابی از ارکان تقصیر است  
بهمین دلیل جهل بقانون مسئله ایست که از سالیان دراز نظر مجرمان  
عدالت و محاکم و دستگا‌های دادگستری جهان را بخود معطوف داشته  
و هر یک از دانشمندان و اساتید حقوق آنرا بنحوی تجزیه و تحلیل نمود مبرای  
دفاع و حمایت از بیگناهان تفسیر و تعبیرهای مختلف و دقیق به عمل آوردند  
جهل از نظر لغوی بمعنی نادانی و بی‌خردی و لحاظی بمفهوم عدم اطلاع  
و نداشتن آگاهی است .

قانون عبارت از مجموع مقرراتی است که به اشخاص از این جهت که در اجتماع  
هستند حکومت میکند و برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع قوانین  
موضوعه برای هر فرد امتیازاتی در برابر دیگران می‌شناسد و توانایی خاصی بآ  
اعطاء میکند و اجرا این چنین قانون و مقررات از طرف دولت با قید مجازات  
تضمین میشود .

با توجه به تعریف قانون بخوبی استنباط میگردد که هر فردی در اجتماع  
مربوط بخودش دارای آزادیهایی است که این آزادیهایی فردی در مقابل  
آزادیهایی افراد دیگر محدود و مقید است باین معنی که در زندگی اجتماعی  
برای حفظ نظم و آسایش عمومی و جلوگیری از افتشاش و در هم پاشیدگی انضباط  
جمعی افراد ملایم و مکلف هستند که کلیه اعمالی را که قانون انجام میدهد  
انجام آنرا مقرر داشته در نظر گرفته و بدون چون و چرا رعایت نمایند و الا به عنوان  
متخلف از قانون از نظر مقنن دولت مجرم شناخته شده و به مجازات مقرر در



۱۶۷۲

قانون میرسد . البته بخواهی روشن است که قانونی که بدین ترتیب افراد اجتماع را ملزم بانجام و یا خودداری از انجام امور خاصی مینماید پس از وضع وسیله فوه مکتبه ابتدا با اطلاع و آگاهی افراد مردم میرسد سپس متخلفان از آن توسط ضابطین دادگستری و محاکم مورد تعقیب و تحقیق و حکم قرار میگردد .

در کشور ما ایران برای این امر تنها بوجود چند ماده در قانون مدنی تحت عنوان « در آثار و اجراء قوانین بطور عموم » اکتفا شده که به ترتیب عبارتند از ماده ۱ - قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح بصفحه ملوکانه منتشر شود .

ماده ۲ - قوانین در تهران ده روز پس از انتشار در ولایات بعد از انقضای مدت مزبور با اضافه یک روز برای هر شش فرسخ مسافت تا تهران ( که البته این موعده با عنایت بماده ۵ ( ۶ ) قانون آئین دادرسی مدنی به ۶۰ کیلومتر برای یک روز تخفیف یافته است ) لازم الاجراء است مگر اینکه خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر کرده باشد .

ماده ۳ - انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید .

ماده ۴ - اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت باین موضوع اتخاذ شده باشد .

ماده ۵ - کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد .

پس با توجه به چند ماده مذکور، می‌توان دریافت که برای اینکه فردی به علت تخلف از مقررات قانون مورد تعقیب و حکم و مجازات قرار گیرد اصل بر اینست که ابتدا<sup>۱</sup> از آن قانون و منظور خاص مقنن با اطلاع شده باشد .

در برابر این اصل مهم قانونی فرضیه ای ایجاد شده است که میگوید :

" جهل بر حکم قانونی و اشتباه در آن از مرتکب عمل خلاف رفع تقصیر نمیکند صرف نظر از اینکه خود این فرضیه نیز یک حکم کلی و عام نیست و تنها در موارد نادر موارد خاصی اطلاق میشود بهتر است قبل از بررسی و تفصیل درباره اقسام جهل و اشتباه و همچنین پیش از تجزیه و تحلیل چند ماده موجود در قانون مدنی درباره آثار و اجراء قوانین و همینطور برای روشن شدن کامل مطلب مورد بحث به بنیم که عمل خلاف و جرم چیست ؟ . عمل پزهکاری و ایجاد مجرمیت کدام است ؟ مجرم کیست ؟ مجازات و هدف آن چگونه است ؟

یکی از بزرگترین مشکلاتی که باید پذیرفت هنوز هم بهمان صورت اول خودش باقی مانده و تحول قابل ملاحظه ای نیافته تعریف جرم است زیرا علم بر قسم تعاریف بسیاری که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده است تا از جرم آن چنان تعریفی بعمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در هر زمان و مکانی دارای ارزش و اهمیت باشد .

دلیل آنکه تاکنون یک تعریف نتوانسته است بر سایر تعاریف غلبه نموده و با احراز برتری مورد قبول همگان قرار گیرد آنست که این بدیده بر حسب نظر

جرم شناسان - جامعه شناسان ، قانون گزاران ، اخلاقیون ، معلمین ، مذهبیون . . . . . دارای مبانی و صور گوناگون میباشد که اگر همه آن مبانی و صور در نظر گرفته شوند مشاهده خواهد شد که گاهی معانی نه تنها بهم نزدیک نیستند بلکه کاملاً ضد و نقیض میباشند به عبارت دیگر آنچه که از نظریه‌ی جرم محسوب میشود در نظرد دیگری جرم نیست و حتی ممکن است عیناً پسندیده و خوش آیند بشمار آید و برعکس .

علت این امر آنست که هر کس بر حسب روش ، شغل و حرفه ، موضوع مورد مطالعه ، تخصص ، ذوق و استعداد خود جرم را معنی و تعریف نموده و بسته تعبیر و تفسیر آن میبرد از . بدین معنی که یک فرزند همی که میخواهد جرم را تعریف کند از عقاید دینی الهام میگیرد ، یک جامعه شناس بموضوعات اجتماعی توجه مینماید ، یک روانشناس بر مبنای اصول و قواعد روانشناسی اقدام به تعریف میکند ، یک فیلسوف از دید فلسفی خود بآن می نگرد ، یک زیست شناس تعریف خود را بر پایه رشته اختصاصی خود قرار میدهد ، یک پزشک امور پزشکی را در تعریف خود می گنجاند و بالاخره یک حقوقدان برای تعریف این پدیده مهم اجتماعی بقانون متوسل میشود .

بهر حال تعاریف بهیچوجه یکسان نیستند و هر کس باید خاص خود بآن نگرسته و به تعریف و توصیف جرم میبرد از .

از طرفی اگر بپذیریم که در یک اجتماع همیشه افرادی بوده اند که گرایشهایی بطرف اعمال ضد اجتماعی داشته اند کاملاً ساده است اثبات کنیم که این

اعمال مخصوص همیشه دارای یک ریشه و اصل نبوده اند تا به عنوان جرم معرفی شوند. علی ممکن است روزی در زمره جرائم بشمار آید احتمال دارد روزی بگرامی بسپارها ری. بی اثرها حتی پسندیده محسوب شود زیرا جرم در طی قرون با اشکال مختلف در میاید و در اثر تحول اجتماعات و پیشرفتهایی که نصیب آنها میشود در هر زمان و مکانی بصورتی جلوه میکند. نکته مسلم آنست که تاکنون جرم طوری معنی نشده است تا در همه جا صادق باشد و ارزشش در رگله او و ارحفظ گردد. این امر نه تنها برای امروز که بر تمدن جرائم افروخته شده و بصورت مختلف دیگری بر آنچه که موجود بوده اغافه گذشته است صادق میباشد بلکه برای ازمنه قدیم هم که جرائم محدود بود و همه گونه جرم بصورت امروز یافت نمیشده است، معنی کردن آن کار آسانی نیست. بنابراین بخواهی روشن است که تعریف جرم طیرغم توصیفات که صورت گرفته، هنوز یکی از بزرگترین مشکلات عصر ما است. برای بی بردن بنظریات مختلف و تعاریفی که تاکنون انجام شده است، بی مناسبت نیست که برخی از آنها بالاخص بنظریات جرم شناسان وجامعه شناسان که صاحب نظرتر از دیگران میباشد اشاره شود.

الف : تعریف جرم از نظر برخی محققان

۱- جرم تجاوزه حق و وظیفه است.

برخی از محققان موضوع حق و وظیفه را مطرح کرده و تجاوزه آنها را عنوان جرم داده اند. از جمله تارو مؤسس مکتب انترنسیونالیستی است که با این

موضوع معتقد است که خصوصیات اساسی جرم را نباید در جایی جز در حق و وظیفه ای که مورد تجاوز قرار میگیرد جستجو کرد .

ماکسول یکی از جرم شناسان معروف فرانسه در نیمه اول صرح حاضر ، نظریه تاردارد میکند و مینویسد که تعریف او گرچه بر مبنای صحیح قرار دارد ولی به هیچوجه کامل نیست زیرا شامل کلیه وظائف و حقوق نمیشود بلکه فقط قسمتی از آنها را در بر میگیرد .

ماکسول اضافه میکند که برای آنکه از جرم تعریف جامعی بعمل آید لازم است عقیده تاردارد بدین صورت اصلاح شود که :

" حقوق و وظایفی که خشونت و تجاوزها جرم محسوب میشود ، آنهاست هستند که از پشتیبانی کامل قانون برخوردارند بطوریکه برای حفظ آنها از تخطی و عدم احترام و رعایت . مجازات تعیین کرده است . یعنی در واقع قانون هرگونه تجاوز باین حقوق و وظایف را مستحق مجازات میداند .

با توجه باین تعریف ( ماکسول حقوق و وظایفی را که نقض آنها توسط قانون مجازات خواهد شد مورد نظر قرار میدهد ) و از این طریق جرم را تعریف میکند . به همین جهت در جای دیگر اشاره میکند که :

(( هر واقعه ای که بوسیله قوانین مدون یا بوسیله سنن يك اجتماع مورد مجازات قرار گیرد برای من جرم محسوب میشود ))

موضوع لطمه بحقوق یکی از مسائل مورد توجه بسیاری از محققان میباشد که در واقع مبنای تعریف آنان از جرم است . یعنی گذشته از تاردارد و ماکسول ، نظیر

تعاریف فوق را نیز فری و د کترکز نیز با برخی تفاوت‌های کم اهمیت می‌توان دید .

برحسب فری هر عمل ضد اجتماعی که بحقوق لطمه وارد آورد جرم است و د کترکز به نهاله این نظریه می‌نویسد که چون جنایت برحسب زمان و مکان تغییر میکند لذا برطبق یک عمل قابل توصیف نیست و حتی می‌توان گفت که علیرغم تناقض و تضادی که ممکنست با اخلاق هم داشته باشد که باز آنهم همه جا قرارداد ی است نمیتوان آنرا تعریف نمود . ولی در مجموع همانطور که اشاره شد او نیز تابع همان عقیده محققان فوق است زیرا در تعریف از این پدیده اجتماعی می‌گوید که هرگونه سوء قصد علیه حقوق دیگران جرم میباشد . نهایت فرق د کترکز با دیگران آنست که او تعریف حقوق نیز می‌پردازد و بدین وسیله هدف از کاربرد آنرا بخوبی بیان میکند . د کترکز می‌نویسد منظور از این حقوق آنهایی است که آزادی موجودیت و عمل کردن نشان وابستگی کامل به برخی کیفیتهای قراردادی دارد که برای افراد و جمع بوجود آمده است . به عبارت دیگر این تعریف نشان میدهد که بهر موضوعی نمیتوان کلمه حق را اطلاق کرد زیرا حق دارای محدوده‌هایی است که برحسب برخی امور قراردادی برای افراد و جمع از آزادی‌هایی برخوردار میباشد . بدین صورت د کترکز با محدوده‌هایی که ایجاد میکند حقوق را در قلمروئی کاملاً بسته قرار میدهد تا هرگونه ابهام و تردیدی که ممکنست معنای وسیع حق ایجاد نماید مرتفع گردد .



## ۲- جرم عظمی قابل مجازات است .

موضوع مجازات که مورد توجه ما کسول قرار داشت در حقیقت نوعی توصیف قانونی از جرم آنرا بکار برده اند . مثلاً هانری اورتن معتقد است که جرم عظمی است که دست زدن به آن از نظر دادگاه قابل مجازات باشد .

بهین طریق راه کلیف براون جرم رانجا وزی میدانند که بهانه ای برای مجازات میباشد . و کترو و کرف همین موضوع را قدری بسط تر و رها راتسی<sup>رست</sup> تا میبد میکند . بر حسب او جرم يك عمل بشری است که شخصیت مجرم را تحت اختیار میگیرد و ملزم مینماید تا برخی هدفها و مقاصد ی را بظهور برساند که اجتماع در برابر آنها که در همین حال که وابستگی کامل بوجود عامل دارند و بنا بر این امری شخصی بشمار میآیند . بوجود آورنده يك حادثه اجتماعی نیز میباشد . نمیتواند بی تفاوت بماند . نمونه تعریف فوق را در نزد گارسون نیز میتوان یافت زیرا او هم جرم را عظمی میدانند که واکنش اجتماع علیه بصورت مجازات بروز میکند .

## ۳- جرم عظمی علیه آزادی فردی است .

از تعاریف قابل توجه تعریفی است که هامون از جرم بعمل میآورد . او برخلاف کلیه عقاید ابراز شده فوق جرم را عظمی میدانند که آزادی فردی را مورد لطمه قرار دهد . او معتقد است که توصیف جرم باید آنچنان باشد که تحت تاثیر تخییرات و تحولات که در احساسات ، قوانین ، وظایف و اشکال - اجتماعی پدید میآید قرار نگیرد .

هامون میبوسد تعریف جرم همیشه وابسته باید به ای است که از جرم وجود دارد جرمی که باندازه کافی نکوهیده و قابل سرزنش میباشد و همین دلیل علیه آن کیفری نیز وجود میابد .

این ایده از جرم که از قبل در ذهن وجود دارد و ذاتی میباشد با عبارت دیگر بوسيله وراثت و مورثیهتی کسب شده است باعث میشود که هر جرمی قابل نکوهش و مجازات باشد و همین ایده است که توصیفات متغیر و مختلفی را بد ماورد که نه در زمان و نه در مکان بهمیچوجه ارضاءکننده نیست .

همین جهت برای آنکه بتوان بعضی مانند جرم شناسی خدمتی عسقی و اساسی کرد همانطور که در علم فیزیک گازها ، طایعات ، جامدات و تراکم . . . . . تعریف شده است جرم را هم باید بوسيله خودش بصورتی که در هر مکان و در هر ضرورت و به ای ارزشش محفوظ گردد توصیف نمود .

برای رسیدن باین هدف است که هامون توصیف فوق را بعمل آورده و — معتقد است که هر لطمه ای به آزادی فردی جرم محسوب میشود .

۴— جرم عسقی خلاف قانون و اخلاق است .

لایحه جرم را از جهات مختلف مورد تعریف قرار میدهد و معتقد است که هر اقدام بسیار شدیدی که علیه اخلاق و قانون صورت بگیرد جرم محسوب میشود .

او تعریفش را در همین دو کلمه خلاصه نمیکند بلکه بتوصیف بیشتری از جرم

میبرد ازد و مانند سایر محققان که بر روی کلمه " مجازات " تکیه میکردند و جرم را از این دید نیز تعریف مینمودند معتقد است که عملی که بوسیله قانون مورد مجازات قرار گیرد جرم بشمار میآید .

لیتیره جرم را در چند مورد فوق هم محدود نمیکند بلکه بد نهاله آنچه که بیان کرده میافزاید که هر عمل اخلاقی که بوسیله وجدان نیز طرد گردد جرم میباشد .

بنابراین بطور کلی جرم از نظر لیتیره عبارت است از:

۱- اقدام علیه قانون .

۲- اقدام علیه اخلاق .

۳- عملی که از نظر قانون قابل مجازات باشد .

۴- عملی که وجدان آنرا طرد نماید .

دولفن در حالیکه روی نظریه ووندت تکیه میکند جرم را مانند لیتیره ازد و جهت مورد توصیف قرار میدهد : از نظر اخلاق و از نظر قانون . دولفن معتقد است که عملی جرم محسوب میشود که ازد و سومورد معاندت قرار گیرد : از بیرون توسط قانون جزا و ازد روین توسط وجدان و اخلاق .

بد نهاله همین نظریه میافزاید که جرم را در ع بزرگ برخی مقررات تا مهینی پلیسی نه تنها مغایر مابین اراده افراد جامعه میباشد که قانون بر حسب آن تدوین گشته و مخالف وظایف اجتماعی است بلکه عامل مضر بزرگی است که به نیروی مقاومت درونی یعنی وجدان و اخلاق صدمه و لطمه میرساند .

بنابراین همانطور که از عقیده و وولفن و ووندت استنباط میشود جرم همیشه  
 عملی غیر اخلاقی است ولی نباید فراموش کرد که هر عمل غیر اخلاقی را نمیتوان  
 جرم بشمار آورد لذا امکان قضیه بهیچوجه صادق نیست .

ووندت در مورد طبیعت جرم مینویسد .

"زهکاری بشر و جرم ارتكابی ملت ها مانند سایر امور موجودیت خود را از  
 طبیعت و از تاریخ بشری بدست میاورد . بنابراین بصورت مطلق وجود  
 ندارد ، تاریخ نوع بشر در همین حال تاریخ زهکاری است .

روانشناسی زهکاری او با تاریخ آفرینش گناه توأم میباشد .

• - جرم عملی ضد اجتماعی است .

کسین برگ جرم شناس بزرگ سوئدی در کتاب " مسائل اساسی جرم شناسی  
 " خود مینویسد که جرم شکلی از عدم سازگاری اجتماعی است که میتوان آنرا  
 مشکلی توصیف کرد که فرد در دام آن دچار میشود . در محیط همیشه

تحریکات فراوانند و فرد برای آنکه با محیط خود هماهنگ باشد ناگزیر تحت  
 تاثیر این تحریکات قرار میگیرد . توأم جرم را از نظر روانشناسی اجتماعی  
 مورد بحث قرار داده و مینویسد که این پدیده عملی است که مخالف

همبستگی گروه میباشد گروهی که خود فرد نیز متعلق بانست . جامعه شناس  
 و استاد ارجمند جناب آقای دکتر صانعی در کتاب " جامعه شناسی ارزشها  
 " و کتاب " حقوق و اجتماع " و کتاب " روانشناسی جزائی " خود ضمن بحث  
 تفصیلی درباره قانونگذاری و ارزشهای اجتماعی بخوبی روشن میسازند

که ارزشهای اجتماعی و قایمی هستند که احتیاجات و اشتیاق های گوناگون انسان را برآورده میسازند و آنها را به هشت دسته به ترتیب زیر تقسیم می نمایند :

۱- قدرت : در حقیقت بسیاری از بزهکاران و انحراف جویان از طریق اعمال ناپهنجار خود در صد اعمال قدرت هستند و مسلماً " اگر نتوانند در زمینه های اجتماعی احساس قدرت همراه با مسئولیت کنند نیازی به بزهکاری و اعمال قدرت در زمینه های ضد منافع اجتماع نخواهند داشت .

پراکندگی قدرت ها در اداره حکومت زمینه را برای استفاده از حس برتری طلبی افراد در طریق منافع اجتماعی آماده میسازد . بعکس تمرکز انحصاری قدرت در دست عده ای محدود سبب پیدایش و افزایش انرژیهای اضافی و مصرف نشده در افراد فاقد این ارزش میشود و آنان را به بزهکاری و کارهای انحرافی و مخالف با نظام اجتماعی وادار میسازد .

۲- دانش : پراکندگی شدن ارزش دانش در میان افراد آنان را وادار دارد که راجع به مقتضیات اجتماعی با بینش عمیق ترقضات کنند و رفتار خود را با پیش بینی دقیق تر نتایج آن تنظیم نمایند . تعلیم و تربیت صحیح در افراد حالت تعادل و توازن ایجاد میکند و انگیزشهای ضد اجتماعی آنان را تحت بازرسی در میآورد . دانش بهترین وسیله تا "مین زندگی از طریق صحیح و قانونی است شخص خرد مند با اتکا به دانش خود برای تا "مین معاش کوشش میکند و تا حد امکان از طریق قانون منحرف نمیشود . البته ممکن است در جامعه ای که توزیع ارزشهای بصورت فراطرانه صورت گرفته بعضی افراد از دانش و

بیش خود در طریق اعمال ضد اجتماعی بزهکاری استفاده کنند ولی وقتی دانش در میان کلیه اعضا<sup>ه</sup> يك جامعه اشافه یافت همراه آن حسن تفاهم نیز پدید میآید و افراد در می یابند که با همکاری در طریق قانون بهتر قادر به تأمین مصالح و منافع جامعه خود هستند .

از طرف دیگر افزایش فرد باعث تقویت " خود " شخصیت شده از تجلی آزاد و مخرب خواستهای " او " جلوگیری خواهد کرد .

۳- ثروت : یکی از قدیم ترین و جدی ترین مشکلات جوامع انسانی مسأله فقر است . وجود طبقات فوق العاده ثروتمند و فوق العاده فقیر در يك جامعه سبب ایجاد عداوت و کینه توزی میان افراد میگردد و مظاهرا بین عداوت ( و بالا اقل عدم تفاهم ) بصور مختلف از جمله بزهکاری جلوه گر میشود . پس تبدیل ثروتها و اشاعه کلی آن میان افراد سبب از میان رفتن حالت تضاد داخلی میان طبقات مختلف میگردد .

از طرف دیگر برآیند شدن ارزش ثروت از احتیاج مادی افراد میگذرد و یکی از انگیزه های بسیار مهم بزهکاری را از میان میبرد .

۴- احترام : یکی از بزرگترین علل بزهکاری و سایر اعمال ضد اجتماعی کمبودی است که بعضی از افراد در درون خود حس میکنند و برای جبران این کمبود به مبارزه علیه قدرت ها برمیخیزند و در مقابل قانون قدم نمیکنند بی احترامی نسبت باشخاص اگر مد اوم و همیشه با آنها احساس حقارت بوجود میآورد و چون خود را پست می شمارند از ارتکاب اعمال پست ابائی

ندارند و ممکن است به خاطر جبران این احساس به مخالفت با قانون که برقرار  
افراد وامری و لازم الاجرا است بر خیزند . اشاعه ارزش احترام در میان  
کلیه اعضا يك جامعه ( مگر آنان که با اعمال خود نشان داده اند که  
قابل احترام نیستند ) لزوماً با حسن تفاهم و همدردی توأم است و سبب  
میشود که افراد حقوق و امتیازات یکدیگر را محترم شمارند و در صورتیکه فرار  
از بهر مجازات برای آنان ممکن باشد در صد و نقص حقوق سایرین  
برنی آیند .

هـ - سلامت : زرتشت پیامبر باستانی ایران و حضرت محمد ( ص ) صدها  
سال قبل از تحقیقات و مطالعات جدید پزشکی تا عهد و تائید کرده اند  
که سلامت روان با سلامت بدن ملازمه دارد : گرسنگی ، خستگی ،  
دردهای عضوی و سایر رنجهای بدنی در فکر و روحیه انسان تا عمیق میگردد  
و این تا عمیق صورت مختلف از جمله بزهکاری و رزندگی اجتماعی ظاهر میگردد  
علاوه بر سلامت جسمانی سلامت روانی نیز برای برقراری حکومت قانون در يك  
جامعه ضروری است .

مطالعات روانشناسی نشان داده است که بسیاری از جرائم و اشرافه ها  
و کمبود هائی رخ میدهد که در شخصیت افراد بوجود آمده است برای نمونه  
بسیاری از بزهکاران به علت احساس گناه ناخود آگاهی که دارند مرتکب  
جرم میشوند و بدین طریق احتیاج روانی خود را بدرك و تحمل مجازات رفع  
میکند پس اشاعه ارزش سلامت تن و روان از انگیزش اعمال ضد اجتماعی در